

خندہ جام

«تفسیری از حدیث معراج پیامبر اعظم ﷺ»

جلد دوم بوی گل و جوشن

استاد کریم محمود حقیقی

حقیقی، کریم محمود، ۱۳۰۴ -
 خنده جام (تفسیری از حدیث معراج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله) / کریم
 محمود حقیقی - . قم: حضور، ۱۳۹۱.
 ۲۵۶ ص. - (تفسیری از حدیث معراج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله؛ دوم)
 ISBN 978 - 964 - 200 - 004 - 3
 ۵۵۰۰ ریال:
 فهرست نویسی بر اساس جلد اول.
 اثر حاضر دفتر دوم تفسیری از حدیث معراج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می باشد.
 کتابنامه: به صورت زیرنویس.
 مندرجات: ج. ۱. بوی گل و جوش مُل.
 ۱. احادیث خاص (معراج) - نقد و تفسیر. ۲. احادیث قدسی. ۳. اخلاق اسلامی. الف.
 عنوان. ب. عنوان: خنده جام (تفسیری از حدیث معراج پیامبر)
 ۷۲ ح ۱۴۵ / ۷۰۲ BP ۲۹۷ / ۲۱۸
 ۱۳۹۱



مؤسسه انتشارات حضور

قم - میدان شهدا - خیابان مجتبی - شماره ۷۵

تلفن ۷۷۴۴۶۵۱ فاکس ۷۷۴۳۷۵۶ - ۰۲۶۱

خنده جام

(جلد دوم بوی گل و جوش مُل...)

«تفسیری از حدیث معراج پیامبر ﷺ»

مؤلف: استاد کریم محمود حقیقی

● چاپ اول: ۱۳۹۱ ● چاپخانه: پاسدار اسلام

● قطع رقعی: ۲۵۶ صفحه ● تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۳-۰۴-۲۰۰-۹۶۴-۹۷۸-۹۷۸-۹۶۴-۲۰۰-۰۰۴-۳ ISBN 978-964-200-004-3

۵۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۴		خنده جام
۹		مقدمه ناشر
۱۳		مقدمه تارخ
۱۷		حضور در نماز
۲۱		گدای آشنا
۲۳		معراج مؤمن
۲۵		نمازی در صف جماعت عالم هستی
۲۹		شبی با زنده دلان
۳۰		آشنایی با ملکوت
۳۱		غفلت از نماز شب
۳۶		تمهیدات نماز با حضور
۴۰		نعمت روزی
۵۰		غنیمت وقت
۵۴		ارزش دقایق عمر
۵۷		کاخی برای بهشتیان
۵۸		سخن چیست؟

۵۸	ارتباط خداوند با خلق
۶۰	تجلی خدا در سه جلوه
۶۳	سوم: دیدار خداوند در خود
۶۴	فضول کلام
۶۸	بارگاه در گشاده
۷۰	گفتا بیک
۷۵	سقوط و گنا در سخن
۷۹	کذب و دروغ
۸۱	سخن چینی
۸۳	لغو
۸۷	دوری از پرخوری
۹۱	محبت به فقرا
۹۳	فقیر کیست؟
۹۷	فقیران نیازمند
۱۰۲	فقر ممدوح
۱۰۷	معنی زهد
۱۰۹	شکر
۱۱۷	بالاترین سپاس
۱۱۹	خنده جام
۱۲۲	دیدار اسماء در طبیعت
۱۳۸	فقا

اجتناب از سخط رب.....	۱۳۹
دوستی با دنیا پرستان.....	۱۶۳
می‌خندد و می‌خنداند.....	۱۶۷
کثرت خواب و غضب.....	۱۷۱
آثار غضب و خشم.....	۱۷۳
عدم رضایت و پوزش خواهی.....	۱۷۵
در عبادات و طاعات کسل است.....	۱۷۷
الشَّاعَةِ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ.....	۱۸۰
أَمَلُهُ بَعِيدٌ وَ جَدُّهُ حَرِيبٌ.....	۱۸۳
لا يحاسب نفسه.....	۱۸۷
کم اندیشی و کم خردی.....	۱۹۱
قلة الخوف.....	۱۹۴
كثرة الفرح عند الطعام.....	۱۹۸
عدم الشكر عند الرخاء و عدم الصبر عند البلاء.....	۲۰۱
آیا شکر فقط با زبان است؟.....	۲۰۴
عدم الصبر عند البلاء.....	۲۰۶
عَدَّ كَثِيرَ النَّاسِ قَلِيلًا.....	۲۰۸
خودستایی آدمی به آنچه در او نیست و ادعای او در آنچه.....	۲۱۰
یادآوری بدی‌های مردم.....	۲۱۳
بخش دوم: صفات اهل آخرت.....	۲۲۲
كثرة الحياء.....	۲۲۵

- ۲۲۸ نادانی ایشان بس اندک است
- ۲۳۱ سودش بسیار است
- ۲۳۴ نیرنگ ایشان اندک است
- ۲۳۶ به زحمت انداختن خود برای آسایش دیگران
- ۲۳۸ سخنان نیکو و سنجیده
- ۲۴۱ از نفس خویش حساب می‌کشند، و خود را به رنج می‌اندازند
- ۲۴۵ انتباه القلب حال نوم الاعین
- ۲۵۳ داستان از کشف ملکوت

سخن ناشر^۱

استاد گرانقدر «جناب آقای کریم محمود حقیقی» از شاگردان برجسته «حضرت آیت الله نجابت رحمته»، در آغاز جوانی از تقوا و تهجد بهره‌ها داشت، به طوری که مادر متدین خود اغلب سحرها برمی‌خاست و با معبود خود به راز و نیاز می‌پرداخت. شبی جمعه را غالباً در حرم حضرت احمدبن موسی علیه السلام (شاهچراغ) احیاء می‌داشت.

به اقتضای سن و زمان زندگی از عشق مجازی در التهاب بود و چون طبع شعری هم داشت، گه‌گاه از آن التهاب درون ایامی می‌تراوید.

معلمی متدین به نام مرحوم «حبیب مشکسار»، خلاق اسلامی و اصول عقاید به وی می‌آموخت. همو اولین کسی بود که استاد را با شریعت آشنا نمود و در جلسات، مورد توجه خاص خود قرار داد.

از همان دوران علاقه و انس به تنهایی و نیز تفکر و نظاره آسمان، او را از مجالس دعا و جمع دوستان جدا می‌کرد، به گونه‌ای که گاهی او را به تصوف و دیوانگی منتسب می‌کردند.

از جمع دوستان کناره می‌گرفت و در کناره جویبارها تنها، به دنبال گمشده

۱. این مطالب برای آشنایی با شخصیت مؤلف و با استفاده از کتاب «لطف حق» تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

جان می‌گشت؛ گمشده‌ای که ندیده و نشناخته، دوستش داشت و به آن عشق می‌ورزید. بعد از توشل و عرض حاجت به محضر مولا امام امیرالمؤمنین علیه السلام، در عالم رؤیا مژده اتصال به کاروان نور به وی داده شد و در همان رؤیا به حضور حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) شرفیاب شد و عرض حاجت و آرزوی انتظار نمود و مورد تفقد قرار گرفت. از این رؤیا بسیار تحت تأثیر قرار گرفته، توجه به معنی و مراقبت در شرعیات را پیشه خود نمود.

در هیجده سالگی کتابی در موضوع عبور از «مجاز و روی آوردن به حقیقت» به نام «طریق عشق» نگاشته و به چاپ رساند.

«حضرت آیت الله نجابت» نداز رسیدن به درجه اجتهاد در مراجعت از نجف اشرف به طرف شیراز، کتاب مذکور را در دست کسی می‌بیند و علاقمند دیدار مؤلف می‌شوند. در اولین ملاقات به نحو صمیمی، آن بزرگوار به ایشان پیشنهاد رفاقت و دوستی می‌فرماید: شاگرد که گویی نمایی خود را یافته، خود را با تمام وجود به آن مرشد کامل و عارف متأله تسلیم می‌نماید.

رفاقت روز به روز گرم‌تر می‌شود، اغلب روزها در دامن طبیعت و کوه و دشت؛ و شبها در نور مهتاب، در جلسات انس با حضرت استاد، در کنار جویبارهای طبیعت، از چشمه‌سار زلال معرفت جامه‌های پیاپی به ریشه جان می‌نوشانند.

غیبت او در نزد اقربان و دوستان سابق، گاهی سبب انتقاد و اعتراض می‌گردد و به بحث و مجادله می‌انجامد و پاره‌ای اوقات، سردی و تردید در روحیه شاگرد پدیدار می‌شود. وقتی مشکل خود را با استاد در میان گذاشت و از

برطرف شود. در عالم خواب به او گفته می‌شود که: «از آقای نجابت پیروی کن». از آن پس پرده شک و تردید زایل، و راه در پیش چشمش روشن می‌شود و وقتی برای آقا (آیت الله نجابت) رؤیا را نقل می‌کند، لبخند رضایت بر چهره آقا می‌نشیند.

«استاد حقیقی» به همراه یکی از یاران و به امر استاد خود برای زیارت و کسب فیض از حضرت آیت الله حاج آقا جواد انصاری (استاد آیت الله نجابت) عازم همدان، و در آن جا با استقبال گرم حضرت ایشان مواجه می‌شوند، گویی آن‌ها از قبل هم‌دیگر را می‌شناسند. چند روزی که در محضر ایشان بودند، حداکثر استفاده و کسب فیض نموده و به شیراز مراجعت می‌کنند.

در سفر دوم که به همراه جمعی از دوستان به همدان داشت باز هم از بهره‌های معنوی سرشار می‌شوند. در سفر سوم نیز همراه با «حضرت آیت الله نجابت» و «حضرت آیت الله دستغیب» (رحمۃ الله علیه) و گروهی از یاران، به محضر ایشان در همدان می‌رسند و توشه‌ها برگرفته و خمشه‌ها می‌چینند.

«جناب استاد حقیقی» در زمان مرحوم «آیت الله نجابت» به تأیید ایشان، بیش از چهل سال، جلسات هفتگی برای جوانان و شیفتگان علوم و معارف الهی تشکیل می‌دادند و پویندگان راه کمال را هدایت و ارشاد می‌نمودند، که بسیار مورد توجه استاد بود و جلساتی را نیز خود آقا شرکت می‌فرمود؛ و هم اکنون نیز همان برنامه‌ها و جلسات ادامه دارد. خداوند بر تأییدات ایشان بیفزاید.

حدود ده سال قبل از فوت «مرحوم آیت الله نجابت»، بعضی از خواهران تحصیل کرده تقاضای تشکیل جلسه ویژه خانم‌ها کردند. استاد حقیقی

می‌فرمایند: «باید از استادم اجازه بگیرم». و ایشان امر می‌کنند که «حتماً این کار را بکن». در جلسات مذکور همچون قلمستانی، نهال‌هایی که می‌بالیدند، به بوستانی اشجار طیبۀ آقا (حضرت آیت الله نجابت) منتقل می‌شدند.

بعد از تألیف کتاب «فروغ دانش در قرآن و حدیث»، بود که آقا (حضرت آیت الله نجابت)، استاد حقیقی را به نوشتن و تألیف کتابهای بعدی امر و ترغیب نموده و می‌فرمودند: «کار به چاپ آنها نداشته باش، تو باز هم بنویس، خدا کریم است». از آن پس کتابهایی که به چاپ رسید، بسیار مورد توجه و استقبال قرار گرفت؛ به طوری که ماگردان آقا، همه منتظر چاپ کتب ایشان بودند. کتاب‌های «تخلی» و «ترجمی» در دو جلد «تخلی» و یک جلد «تجلی» در زمان حیات آقا و با کمک ایشان چاپ شد، و همگی مورد توجه خاص و عنایت آن بزرگوار قرار گرفت. عاقبت دست اجل، بین مراد و برید جدایی افکند و روح ملکوتی استاد، به سوی معبود پر کشید و آتش حرمان فراق در دل عاشق افکند. روحش شاد.

«استاد کریم محمود حقیقی» در حال حاضر علاوه بر این که راه استاد را در رشد و تعالی بخشیدن به نسل جوان و جویندگان کمال و حقیقت ادامه می‌دهند، با تألیف و تدوین آثار جاودانه، نیز عطش تشنگان زلال معرفت را فرو می‌نشانند.^۱

خداوند بر عمر و عزت و توفیقاتشان بیفزاید. آمین.